

تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳ از صفحه ۱ تا ۱۶

## وجاهت حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمانهای بین المللی

دکتر مصطفی تقی زاده انصاری\* فرید بیرانوند\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۰۶

### چکیده

سازمان‌های بین المللی به عنوان تابعان فعال حقوق بین الملل بر اساس یک سند تاسیس تشکیل می‌شوند. سند تاسیس سازمان بین المللی از حیث ماهیتی یک معاهده چند جانبه محسوب می‌شود. در حقوق معاهدات برای گسترده کردن افقی اعضای یک معاهده سازوکار خاصی به نام رزرواسیون یا تحدید تعهد وجود دارد. مطابق این سازو کار زمانی که دولتی با اکثریت مقررات یک معاهده موافق باشد اما نسبت به مواردی خاص رضایت نداشته باشد با رها کردن خود از قید مقررات اخیر معاهده مذکور را می‌پذیرد. در این مختصر ما به دنبال پاسخ به این سوالات هستیم که آیا اعمال حق شرط بر معاهدات مؤسس سازمان‌های بین المللی دارای وجاهت حقوقی می‌باشد؟ اگر چنین است آیا شرط را می‌توان نسبت به هر یک از مقررات اساسنامه اعمال کرد؟

**واژگان کلیدی:** سازمان‌های بین المللی، شخصیت حقوقی سازمان‌های بین المللی،

تحدید تعهد، اساسنامه سازمان‌های بین المللی

---

\*عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال  
\*\*دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

## مقدمه

با رجوع به ماهیت معاهداتی که امکان اعمال شرط بر آن‌ها می‌باشد و هم چنین ویژگی‌های ماهیتی اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی (که یک معاهده تلقی می‌شوند) در می‌یابیم که در ظاهر امر امکان اعمال شرط نسبت به این دسته از معاهدات وجود ندارد اما بند (د) ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ جواز اعمال شرط نسبت به اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی را تحت شرایطی صادر کرده است. در گام اول این مختصر به بیان مفهوم و ویژگی‌های شرط در حقوق معاهدات می‌پردازیم و سپس به بررسی ماهیت اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی و در نهایت دلیل وجود جواز مذکور در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و حدود آن را بررسی می‌کنیم.

## بند اول. مفهوم حق شرط در حقوق معاهدات

فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل نزدیک کردن و ایجاد همگرایی میان کشورها می‌باشد. معاهدات که همان توافق میان تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشند نیز در این میان دارای نقش اساسی می‌باشند. برای رسیدن به این هدف، در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات ساز و کاری به نام حق شرط<sup>۱</sup> یا حفظ حق حاکمیت ملی در قبال بخشی از مقررات معاهده<sup>۲</sup> پیش‌بینی شده است. هر یک از دولت‌ها در برابر معاهده‌ای که موضوع، هدف و محتوای آن را در مجموع به استثنای برخی از مقرراتش، شایسته و مناسب می‌بیند، میان ۲ شیوه رفتار اختیار انتخاب دارد: یا از عضو شدن در معاهده

---

۱. تحدید تعهد ترجمه واژه‌ی Reservation که ترجمه خوبی است. برخی نویسندگان آن را حق شرط ترجمه کرده‌اند که این ترجمه نیز مناسب است و به کار بردن رزرواسیون هم بلامانع به نظر می‌رسد. محمد، عالیخانی: حقوق بین‌الملل تحقیقات فوق لیسانس و دکتری حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات خط سوم، ص ۵۱۶

۲. هدایت الله، فلسفی: حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ دوم ۱۳۸۳، صفحه ۲۲۵

و جهات حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی.....<sup>۳</sup>

خودداری می‌کند، از آن رو که می‌خواهد از اعمال این مقررات دور بماند و بگریزد و یا در کل رشته را نمی‌گسلد و به متعهد شدن رضایت می‌دهد ولی در عین حال اعلام می‌کند که یا بدون قید و شرط از میان تعهدات خود مقرراتی را که موافقت و رضایت او را در بر ندارند طرد می‌کند و یا آن که می‌گوید که در نظر دارد به این مقررات معنای خاصی را بدهد که برایش قابل قبول هستند. چنان چه دولت مورد بحث این رفتار دوم را در پیش گیرد و چنین اعلامی را به انجام رساند گفته می‌شود که وی در خصوص این مقررات تحفظ دارد.<sup>۱</sup>

در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ شرط چنین تعریف شده است: «اصطلاح «شرط» بر اعلامیه یکجانبه‌ای اطلاق می‌گردد که هر دولت تحت هر نام و به هر عبارت، به وقت امضا، تصویب، قبولی، تایید معاهده یا الحاق به آن صادر و با آن اعلام کند که اثر حقوقی برخی مقررات معاهده را، در اجرای آن نسبت به خود نمی‌پذیرد یا آن اثر را تغییر می‌دهد.»<sup>۲</sup>

این تعریف که به ظاهر دقیق و کامل می‌نماید جامعیت ندارد زیرا در بعضی موارد از الفاظ بسیار کلی و در موارد دیگر از الفاظ جزئی بهره گرفته است.<sup>۳</sup> به هر حال ویژگی‌های اصلی حق شرط را می‌توان از تعریف آن استخراج کرد که مهمترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

#### - شرط اعلامیه است.

شرط اعلامیه است، به این معنی که جزء لاینفک معاهده نیست و بر خلاف آن چه تا به حال گفته شده است، «شرط در معاهده»<sup>۴</sup> معنا ندارد. به همین سبب اگر به

۱. کک دین، نگوین: حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی، تهران انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۲۸۶

۲. بند (د) ماده ۲ معاهده ۱۹۶۹

۳. هدایت الله، فلسفی: پیشین، ص ۲۲۶

۴. به جای آن باید گفته شود «شرط بر معاهده»

۴.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

موجب یکی از مواد معاهده، اجرای آن معاهده در قبال سرزمین یا اوضاع و احوال خاص استثنا شده باشد نمی‌توان مدعی بود که آن معاهده متضمن «شرط» است، زیرا در این قبیل موارد آن قاعده فقط به نحوه اجرای تعهدات حقوقی ناظر است.<sup>۱</sup>

- شرط اعلامیه‌ای یک جانبه است.

حق شرط عمل حقوقی یک جانبه است که به صورت «اعلامیه» یک جانبه خودنمایی می‌کند. این عمل حقوقی ممکن است در زمره‌ی اعمال یک جانبه مستقل یا قراردادی قرار گیرد. هر گاه معاهده‌ای در رابطه با اعمال یا منع اعمال شرط ساکت باشد، اعلامیه حق شرط، عمل یک جانبه‌ی مستقل محسوب می‌شود و هر گاه حق شرط بر معاهده‌ای به صراحت مجاز شناخته شده باشد در این صورت اعلامیه حق شرط عمل یک جانبه قراردادی است. اعلامیه حق شرط در شکل اول، مستقل و جدا از معاهده می‌باشد و در شکل دوم به نوعی مرتبط با معاهده است.<sup>۳</sup>

- شرط، اعلامیه‌ای است یک جانبه که با آن هر دولت قلمرو بعضی مقررات معاهده را محدود می‌کند.

اصطلاح «مستثنی کردن» اثر حقوقی به واقع همان «تجدید تعهد» است که اعلامیه‌ی حق شرط معمولاً در بر گیرنده چنین معنایی است. به بیان دیگر حق شرطی که اثر حقوقی بخشی از مقررات معاهده را مستثنی کند، یک حق شرط واقعی است.<sup>۴</sup>

۱. هدایت الله، فلسفی، همان، ص ۲۲۶

۲. در اینجا مقصود ماهیت عمل نیست زیرا ماهیت عمل در هر صورت به شکل یکجانبه‌ایقاعی است، فقط بحث در مبنای انجام این عمل است که هر گاه اجازه آن به صراحت صادر شده باشد طبیعتاً مبنای آن قراردادی است و اگر چنین نباشد مبنای آن یک جانبه و ناشی از یک اراده است.

۳. بدیهی است هرگاه حق شرط کشوری یا سازمان بین المللی مورد موافقت حداقل یک کشوری سازمان بین المللی دیگر قرار گیرد، عمل یک جانبه بلافاصله و خود به خود به عمل حقوقی دوجانبه تبدیل می‌گردد. محمدرضا، ضیایی بیگدلی: حقوق معاهدات بین المللی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم ۱۳۸۸ص ۹۲

۴. محمدرضا، ضیایی بیگدلی: همان، ص ۹۲

و جاهت حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی.....۵

در کل می‌توان تعریف جامع‌تری نسبت به آنچه در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ در مورد حق شرط ارایه شده است بیان نمود:

«شرط، به هر عبارت و شکلی که باشد، اعلامیه‌ای است یک جانبه که هر دولت به وقت امضای تصویب یا پذیرش معاهده یا الحاق به آن، یا هنگامی که در قبال معاهده‌ای اعلام جانشینی می‌کند،<sup>۱</sup> یا در هر زمانی که در معاهده پیش بینی شده باشد، صادر می‌کند و بدان وسیله محتوای دامنه‌ی تعهداتی را که به سبب آن معاهده برایش به وجود می‌آید، محدود ساخته یا تقلیل می‌دهد.»<sup>۲</sup>

نهاد شرط یا تحدید تعهدیک اختراع آمریکایی (و نه اروپایی) می‌باشد. در حقوق بین‌الملل عرفی و قبل از پیدایش کنوانسیون وین، دولت‌های اروپایی با توجه به طبیعت قراردادی معاهدات برای نهاد شرط خصلت خاصی را قایل بودند. بدین معنی که آن رایک‌ایجاب جدید می‌دانستند و نیازمند قبولی جدید. برداشت مذکور باعث شده بود تا این قاعده برای همه انواع معاهدات وضع شود که صدور شرط از طرف یکایک دولت‌ها نسبت به یک معاهده فقط هنگامی مجاز است که عهدنامه آن را اجازه داده باشد و همه دولت‌های عضو نیز موافقت خود را با آن اعلام کنند. در مقابل، دولت‌های عضو «سازمان دولت‌های آمریکایی»<sup>۳</sup> یک سیستم انعطاف پذیری را بین خود متداول کردند. این سیستم که گسترش افقی قلمرو معاهدات را به بهای فدا کردن قدرت و کیفیت اجرایی معاهدات تامین می‌کرد به دولت گذارنده تحدید تعهد اجازه می‌داد تا عضویت خود را در معاهده در قبال آن دسته از دولت‌های عضو که به تحدید تعهد مذکور اعتراضی نداشتند حفظ نماید. اما دلیل غلبه‌ی این سیستم آمریکایی بر سیستم اروپایی

۱. مسأله‌ی شرط بر معاهدات جانشینی یکی از مسایلی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل فعلا در حال بررسی آن است.

2. Imber, P-H., op. cit., p18۳۲ به نقل از فلسفی، هدایت الله: همان، ص

۳. دولتهای آمریکایی در آغاز اتحادیه‌ای در میان خود به وجود آوردند که آن را اتحادیه پان امریکن (pan American union) می‌نامیدند این اتحادیه بعدها به سازمان دولتهای آمریکایی (organization of American states) تغییر عنوان داد.

۶.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

را باید در جریان تصویب کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی به سال ۱۹۴۸<sup>۱</sup> جستجو کرد. علیرغم این که در کنوانسیون مذکور ماده‌ای در خصوص اجازه اعمال شرط وجود نداشت، برخی از دولت‌ها بر این کنوانسیون حق شرطهایی اعلام کردند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ناچار نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را خواستار شد که دیوان در نظر مشورتی خود چنین اظهار داشت:

«یک دولت که شرطی به کنوانسیون وارد کرده و مورد اعتراض یک یا چند دولت عضو قرار گرفته است، اما عده‌ای از دولت‌های دیگر عضو، به عمل آن اعتراض نموده‌اند، هنوز می‌تواند عضو کنوانسیون شناخته شود، مشروط بر این که شرط وارده با هدف و منظور کنوانسیون سازگار باشد. اگر یک دولت عضو کنوانسیون تحدید تعهد وارده به وسیله دولت دیگر را ناسازگار با هدف و منظور کنوانسیون تشخیص بدهد و بدان اعتراض کند، می‌تواند دولت واردکننده تحدید تعهد را به عنوان عضو کنوانسیون نشناسد.»<sup>۲</sup>

کمیسیون حقوق بین‌الملل این نظر جدید خود را در طرح نهایی ۱۹۶۶ منعکس ساخت. بدین صورت مواد ۱۹ تا ۲۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات تحت تأثیر رأی

#### 1. The convention on the prevention and punishment of the crime of genocide - 1948

۲. کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۵۲ معیار «سازگاری تعریف تعهد با هدف معاهده» را که در رأی دادگاه آمده بود نپذیرفت. استدلال کمیسیون این بود که برداشتهای نظری متعدد و گاه متخالفی را می‌توان از آن داشت. این کمیسیون به جای معیار «سازگاری» معیار «اتفاق آرا» را پیشنهاد کرد و این بدان معنی بود که اگر همه دولت‌های عضو معاهده به اتفاق آرا با تحدید تعهدی که بدان معاهده وارد می‌شود، موافقت کنند، آن تحدید تعهد معتبر و در غیر آن صورت دولت واردکننده یا باید از تحدید تعهد صرف‌نظر کند و یا از عضویت معاهده. کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۹ (به عکس نظر خود در سال ۱۹۵۱) «دکترین سازگاری» را پذیرفت. در این مرحله استدلال کمیسیون این بود که تعداد دولتهای جهان به مراتب زیاده‌تر شده و در نتیجه تعداد شرکت‌کننده گان بالقوه معاهدات فزونی یافته است. بنابراین حصول اتفاق آرا در میان دولتها به مرز غیر ممکن رسیده است فلذا «معیار اتفاق آرا» کارساز نیست.

Principles of public international law. fourth edition: By Ian Brownlie (1995).p609

و جهات حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی..... ۷

مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و نیز طرح کمیسیون، از طرف کنفرانس وین تدوین و تصویب شد.<sup>۱</sup>

اما باید توجه داشت که امکان اعمال شرط بر کلیه معاهدات بین‌المللی وجود ندارد، بلکه با رجوع به طبقه‌بندی معاهدات و توجه به ماهیت آن‌ها، اعمال شرط نسبت به چند دسته از معاهدات وجود ندارد. اولین که حق شرط بر معاهدات دوجانبه به دلیل این که به شکل یکطرفه باعث تغییر معاهده می‌شود معنا و مفهومی ندارد، هم چنین حق شرط بر معاهدات چند جانبه قانونساز و معاهداتی که در بر دارنده قواعد آمره می‌باشند نیز جای تردید و تأمل است، زیرا چنین عملی با هدف و موضوع این گونه معاهدات در ناهماهنگی محض است. در مقابل اعمال شرط بر معاهدات چند جانبه و قراردادی امکانپذیر می‌باشد.<sup>۳</sup>

در پایان این بند متذکر می‌شویم که نهاد شرط را نباید با اعلامیه‌ی تفسیری که دارای جنبه سیاسی می‌باشد و بیشتر برای حکومتها مصرف داخلی دارد اشتباه کرد. هدف اعلامیه تفسیری فقط روشن کردن و توضیح مقصود دولت‌ها می‌باشد و نباید حدود تعهدات و حقوق را تغییر دهد، هم چنین حق صدور اعلامیه تفسیری ناشی از یک قاعده‌ی عرفی عام می‌باشد.<sup>۵</sup>

## بند دوم. ماهیت حقوقی اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی

در ابتدا به طور خلاصه به بیان تعریف و ویژگی‌های سازمان‌های بین‌المللی

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص مبانی حق شرط رک: محمد، عالیخانی: پیشین، صص ۵۱۷-۵۲۲

2. Jus cogens

۳. محمدرضا، ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۹۹

۴. لفظ اعلامیه‌ی تفسیری (interpretation declaration) را در برخی موارد بیانیه سیاسی (political statement) یا اعلامیه تفاهم understanding declaration می‌نامند.

۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص اعلامیه تفسیری رجوع کنید به: محمدرضا ضیایی، بیگدلی: همان، صص ۹۴-۹۵ و محمد، عالیخانی: همان، صص ۵۲۲ و کک دین، نگون: همان، صص ۲۸۷

۸.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

می‌پردازیم. سازمان بین‌المللی نهادی است حقوقی، متشکل از دولت‌ها<sup>۱</sup> که جهت دستیابی به هدف یا اهدافی مشخص و براساس یک سند تأسیس، به طور مداوم و برای زمان نامحدود<sup>۲</sup> تشکیل می‌یابد که توانایی اتخاذ تصمیماتی در چارچوب اساسنامه خود را دارا می‌باشد.

از تعریف فوق عناصر ذیل مشتق می‌گردند:

**عنصر اول:** سازمان بین‌المللی، تأسیسی است حقوقی، یعنی این که بر مبنای موازین و مبانی حقوقی تشکیل می‌یابد. باید افزود که مبانی و موازین حقوقی نه تنها خود ایجاد کننده یک سازمان بین‌المللی می‌باشد بلکه روابط داخلی و خارجی آن را نیز مشخص می‌کند.

**عنصر دوم:** سازمان بین‌المللی، متشکل از دولت‌هایی باشند. منظور از دولت‌ها، دولت‌های حاکم و مستقل است. دولت‌هایی حاکم و مستقل هستند که می‌توانند عضویت یک سازمان بین‌المللی را بپذیرند، یعنی دولت‌هایی که در امور داخلی و خارجی خود دارای حاکمیت مستقل می‌باشند.

**عنصر سوم:** گردهمایی این دولت‌ها جهت تحقق هدف یا اهداف مشخص تشکیل می‌یابد بنابراین می‌توان گفت عمر یک سازمان بین‌المللی تا زمان تحقق این هدف یا اهداف می‌باشد و پس از این تحقق، سازمان علت وجودی خود را از دست خواهد داد.<sup>۳</sup>

**عنصر چهارم:** سازمان‌های بین‌المللی دارای فعالیتی مداوم می‌باشند و این فعالیت

---

۱. البته لازم به ذکر است که در حال حاضر امکان عضویت سایر تابعان حقوق بین‌الملل در یک سازمان بین‌المللی می‌باشد. مانند عضویت یک سازمان بین‌المللی یا یک سازمان آزادی بخش در یک سازمان بین‌المللی دیگر.

۲. مقصود این است که تا وصول به اهداف مندرج در اساسنامه، فعالیت سازمان ادامه می‌یابد.

۳. این عنصر در عمل اهمیت به سزایی دارد برای مثال سازمان بین‌المللی ناتو در ابتدا برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و شوروی تأسیس گردید که پس از فروپاشی شوروی گمان می‌رفت که این سازمان نیز علت وجودی خویش را از دست بدهد اما کشورهای این سازمان با تعریف یک هدف جدید برای آن (یعنی مبارزه با تروریسم!) باعث ادامه حیات این سازمان در عرصه بین‌المللی شدند.



## و جهات حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی.....۹

مداوم تا پایان عمر یک سازمان ادامه دارد. باید خاطر نشان کرد که اصل تداوم، معیار تشخیص یک سازمان بین‌المللی بایک کنفرانس بین‌المللی می‌باشد.

**عنصر پنجم:** توانایی اتخاذ تصمیم از دیگر عناصر تشکیل دهنده یک سازمان بین‌المللی می‌باشد، این تصمیمات می‌توانند غیر الزام آور و به صورت یک پیشنهاد و توصیه باشند و یا به شکل الزام آور صادر شوند. چنین تصمیماتی لازمی فعالیت یک سازمان بین‌المللی می‌باشد چرا که در غیر این صورت سازمان نمی‌تواند به صورت یک شخصیت مستقل حقوقی بین‌المللی رفتار نماید و به عبارت دیگر نخواهد توانست هدف یا اهدافی که به منظور تحقق آن‌ها به وجود آمده است را برآورده نماید.<sup>۱</sup>

با رجوع به تعاریف مختلفی که از سازمان بین‌المللی ارایه شده است میتوان به این نکته مهم پی برد که اساس تشکیل یک سازمان بین‌المللی توافق میان اعضای آن سازمان می‌باشد. پس سازمان‌های بین‌المللی نسبت به دولت‌ها تابعان مشتق و ثانویه حقوق بین‌المللی محسوب می‌شوند، زیرا در ابتدا شخصیت حقوقی آن‌ها ناشی از اراده‌ی سیاسی دولت‌های حاکم می‌باشد. قایل شدن شخصیت برای سازمان‌های بین‌المللی این نتیجه را به دنبال دارد که سازمان بین‌المللی می‌تواند موضوع حق و تکلیف قرار بگیرد که در ادبیات حقوقی چنین بیان می‌شود: اهلیت نتیجه عقلایی شخصیت می‌باشد. هم چنین هر شخصی که دارای اهلیت باشد اصل بر این است که توانایی اعمال آن را نیز دارد که به آن صلاحیت می‌گوییم. در عالم حقوق اصل بر این است که نهاد مسئولیت ناشی از وجود صلاحیت برای تابعان (اشخاص) می‌باشد.

توافق میان دولت‌ها برای تشکیل یک سازمان بین‌المللی از طریق یک معاهده حاصل می‌شود، که این معاهده همان سند تاسیس سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: مصطفی، تقی زاده انصاری: حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران، انتشارات قومس، چاپ دوم ۱۳۸۵، صص ۲۱ و ۲۲

۲. البته در عمل برخی از سازمانها دارای سند مؤسس مشخصی نبوده‌اند مانند گات (موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت - ۱۹۴۷) که با توجه به عملکرد آن، می‌توان گفت قبل از ایجاد سازمان جهانی تجارت در ۱۹۹۵ دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی بوده است - ر.ک: قاسم، زمانی: حقوق سازمانهای

۱۰.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

می‌توان گفت شخصیت حقوقی سازمان بین‌المللی از سند مؤسس آن ناشی شده است. سازمان بین‌المللی دارای دو نوع شخصیت می‌باشد:

### اول شخصیت داخلی

اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی حاوی مقرراتی است که به موجب آن سازمان‌ها به عنوان اشخاص حقوقی در نظام داخلی کشورهای عضو شناخته می‌شوند. اساسنامه‌ها با الفاظ متفاوت، به ترسیم محتوای این شخصیت حقوقی در داخل کشور می‌پردازد. باید توجه کرد که شخصیت سازمان‌های بین‌المللی دارای پایه‌های قراردادی می‌باشد. این حقیقت که اساسنامه سازمان‌ها به آن‌ها شخصیت حقوقی در کشورهای عضو می‌دهد، دست کم درباره نهادهای به وجود آمده پس از جنگ جهانی دوم بسیار مصداق دارد. ولی این امر در گذشته همیشه جاری نبوده است برای مثال میثاق جامعه ملل در این باره ساکت است. در آن زمان مسأله‌ی شخصیت حقوقی سازمان‌ها از طریق عهدنامه‌های خاص، یا توسط قوانین داخلی کشورهای عضو حل می‌شد، مانند عهدنامه ۱۹۲۶ تنظیم روابط حقوقی (امتیازات و مصونیت‌ها، وضعیت در نظام داخلی) بین جامعه ملل و سوئیس (کشور میزبان جامعه که مقر آن در ژنو قرار داشت). در رابطه با شناخت شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی در نظام داخلی کشورهای عضو به مقررات خاصی در ماده ۱۰۴ منشور سازمان ملل متحد برخورد می‌کنیم. طبق این ماده: «سازمان در هریک از کشورهای عضو از اهلیت حقوقی لازم برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد خود متمتع می‌شود.»

ماهیت حقوقی شخصیت داخلی سازمان‌های بین‌المللی از نوع کارکردی است به طور کلی، این ماهیت باید به نهاد امکان دهد تا بتواند منحصرأً به انجام وظایف خود بپردازد. همانطور که بیان کردیم اساسنامه‌ی سازمان‌های بین‌المللی اغلب درباره محتوای شخصیت حقوقی خود در نظام داخلی کشورها دارای خلأ بسیار است. ماده

و جهات حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی..... ۱۱

۱۰۴ منشور سازمان ملل متحد نمونه‌ای بسیار عالی از این حقیقت را ارائه می‌دهد.<sup>۱</sup>

## دوم. شخصیت بین‌المللی

یعنی دولت‌ها دیگر تنها دارنده‌ی شخصیت حقوقی در نظام بین‌المللی نیستند. اگر برای سازمان‌های بین‌المللی نوعی شخصیت بین‌المللی، اهلیت در اقدام را بشناسیم، دولت‌ها با رقیبانی روبه‌رو می‌شوند که دارای اراده و شخصیت مستقل از نظر عملی می‌باشند و بدون نیاز به دولت‌های عضو قادر به اقدام مستقل می‌باشند.<sup>۲</sup> هر دو نوع شخصیت سازمان بین‌المللی را باید در اساسنامه آن سازمان پیدا کرد.<sup>۳</sup> این وجه از شخصیت سازمان‌های بین‌المللی نیز در اساسنامه آن‌ها تبلور پیدا می‌کند. برای نمونه می‌توان به توافق ۲۷ مه ۱۹۸۰ میان کشورهای صادرکننده نفت OPEC در مورد ایجاد صندوق ویژه‌ای برای کمک به توسعه بین‌المللی اشاره کرد. بر طبق این توافق سازمان جدید دارای «شخصیت حقوقی بین‌المللی خواهد بود» (ماده ۱۰۱) بدون این که این مطلب مهم به نحو دیگری تصریح شده باشد.

اساسنامه‌ی یک سازمان بین‌المللی در واقع یک عهدنامه چند جانبه است، از این ویژگی آثاری منتج می‌گردد که از آن جمله می‌توان به آثار ناشی از پذیرش مفاد عهدنامه و رابطه‌ی بین اساسنامه و دیگر تعهدات بین‌المللی نام برد. در مورد ماهیت

---

۱. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که در این مورد صراحت بیشتری دارند از جمله: ماده IX قسمت II توافق Berton-woods در خصوص وضعیت حقوقی صندوق بین‌المللی پول مقرر می‌دارد «صندوق دارای شخصیت کامل حقوقی و به ویژه اهلیت قرارداد بستن، به دست آوردن اموال منقول و اختیار در آن‌ها، حضور در برابر دادگاه می‌باشد.»

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مصطفی، تقی زاده انصاری: حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران، انتشارات قومس، چاپ دوم ۱۳۸۵، صص ۵۸-۶۱

۳. شخصیت سازمانهای بین‌المللی هم چنین در آرای قضایی ICJ از جمله رای مشورتی در قضیه کنت برنادوت مورد تایید قرار گرفته است. در این قضیه دیوان با کلماتی کلی، شخصیت بین‌المللی سازمان ملل متحد را به رسمیت شناخت. روشن است که نظر دیوان محدود به سازمان ملل متحد نبوده و بی شک دقیقاً و کلمه به کلمه قابل اعمال درباره دیگر نهادهای بین‌المللی است.

۱۲.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

اساسنامه لازم به ذکر است که اساسنامه، حاوی مفادی است که باید بر تمام دولت‌های عضو به یک نحو اجرا گردد به عبارت دیگر این مفاد تبعیض بردار نبوده و نمی‌توانند به نحو نابرابر بین دولت‌های عضو به کار برده شود.

حال که ماهیت اساسنامه یک سازمان بین‌المللی معاهده چند جانبه می‌باشد آیا اعمال شرط بر اساسنامه جایز است؟ به بیان دیگر پذیرش اساسنامه یک سازمان به صورت مشروط امکان‌پذیر است یا خیر؟

برای پاسخ به این سوال باید چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول. اعمال شرط نسبت به اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی به موجب بند ۳ ماده ۲۰ عهدنامه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین بلامانع اعلام شده که البته مشروط به پذیرش ارکان ذیصلاح آن سازمان می‌باشد.<sup>۱</sup>

دوم. ماهیت معاهده‌ی مؤسس سازمان بین‌المللی، عهدنامه در حکم قانون می‌باشد زیرا این نوع عهدنامه‌ها منشا شخصیت بین‌المللی برای سازمان بین‌المللی می‌باشند. سوم. محتوای اساسنامه به صورت چند محوری می‌باشد، به این معنا که فقط شامل یک سری مقررات خاص نیست بلکه شامل چند سری مقررات از جمله مقررات مربوط به نقش سازمان، یا به بیان دیگر تعیین صلاحیت سازمان، مقررات مربوط به تعیین عناصر اصلی تشکیلاتی سازمان، شرایط پذیرش، شخصیت حقوقی، ماهیت و تشکیلات ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و اداری، مقررات مربوط به اصول فعالیت ارگان‌های سازمان از جمله تشریفات رای‌گیری، چگونگی به اجرا در آوردن تصمیمات و ... از جمله مواردی است که در اساسنامه وجود دارد.<sup>۲</sup>

چهارم. طبق ماده ۱۹ عهدنامه‌های حقوق معاهدات، هر کشور یا سازمان بین‌المللی می‌تواند به هنگام امضا، تصویب، پذیرش یا الحاق به معاهده نسبت به آن معاهده قایل

۱. بند ۳ ماده ۲۰ «در موردی که معاهده سند تاسیس یک سازمان بین‌المللی باشد، تحدید تعهد منوط به قبول ارکان ذیصلاح آن سازمان است، مگر اینکه معاهده ترتیب دیگری را مقرر کرده باشد».

۲. برای مطالعه بیشتر رک: مصطفی، تقی زاده: پیشین، صص ۴۰-۴۱

و جهات حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی.....۱۳

به حق شرط شود.<sup>۱</sup> یعنی اگر معاهده برای چنین آزادی (آزادی اعمال شرط) معنی‌یا حصری مشخص نکرده باشد، هر طرف در انشای حق شرط بر آن معاهده آزاد است.<sup>۲</sup> با نگاهی سطحی به مورد اول، دوم و چهارم متوجه تناقضی میان آن‌هامی‌شویم، به این صورت که مورد اول و چهارم جواز اعمال شرط بر معاهده موسس یک سازمان بین‌المللی را صادر کرده‌اند اما مورد دوم با قایل شدن ماهیت عهدنامه در حکم قانون بودن سند موسس یک سازمان بین‌المللی، اعمال شرط بر آن را نمی‌پذیرد.<sup>۳</sup> باید توجه کرد که جواز اعمال شرط، که در نکته اول و چهارم صادر شده است نسبت به کلیه‌ی مقررات اساسنامه سازمان بین‌المللی نمی‌باشد. همانطور که در نکته سوم اشاره کردیم، باید میان مقررات مختلف اساسنامه سازمان بین‌المللی تفکیک قایل شد، نسبت به آن دسته از مقررات اساسنامه که مربوط به شخصیت حقوقی سازمان بین‌المللی می‌باشد اعمال شرط امکانپذیر نمی‌باشد زیرا شخصیت حقوقی سازمان بین‌المللی یک امر بسیط و یکپارچه است.

به بیان دیگر نمی‌توان چنین فرض کرد که یک سازمان نسبت به دسته‌ای از اعضای دارای شخصیت کامل و مطابق با تمام مقررات مندرج در اساسنامه آن باشد اما همان سازمان نسبت به دسته دیگر از اعضا دارای شخصیتی متفاوت (ناقص) باشد. در این حالت یک سازمان بین‌المللی بایک اساسنامه دارای ۲ نوع شخصیت با حدود متفاوت مسئولیت و صلاحیت در عرصه بین‌المللی خواهد شد. اما قایل شدن امکان اعمال

---

۱. ماده ۱۹: «یک کشور هنگام امضا، تصویب، قبولی، تایید یا الحاق به یک معاهده می‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند مگر در صورتی که: ۱- معاهده‌ی تحدید تعهد را ممنوع کرده باشد ۲- معاهده مقرر کرده باشد که تحدید تعهد فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست مجاز است، یا ۳- در غیر موارد مشمول بند های ۱ و ۲ وقتی که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.»

۲. محمدرضا، ضیایی بیگدلی: همان، ص ۱۰۱

۳. اعمال شرط فقط بر معاهدات چند جانبه قراردادی امکانپذیر است یعنی نمی‌توان نسبت به معاهدات دوجانبه یا چند جانبه متضمن قواعد آمره یا چند جانبه قانون ساز حق شرط اعمال کرد. محمدرضا، ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۹۹

۱۴.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

شرط برای سایر مقررات مندرج در اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی بلامانع به نظر می‌رسد که در واقع می‌توان گفت جواز اعمال شرطی که در نکته اول و چهارم آمده است مربوط به همین دسته مقررات اساسنامه‌ایمی‌باشد.

به بیان ساده‌تر باید گفت علی‌الاصول مکان قبول و پذیرش مشروط‌یا جزئی اساسنامه سازمان بین‌المللی وجود ندارد، دولتی که می‌خواهد عضویت سازمانی را بپذیرد باید اساسنامه آن را قبول نماید، چنین دولتی نمی‌تواند پذیرش را به صورت مشروط قرار داده و بگوید این اساسنامه را به این شرط می‌پذیرم و یا نمی‌تواند ادعا کند که با جزئی از اساسنامه (حال این جزء هر چه باشد) موافقم. دولت وقتی که به عضویت سازمان در می‌آید بایستی به تمام تعهداتی که از اساسنامه ناشی می‌گردد پایبند بوده و تمام مفاد اساسنامه را بپذیرد.

این قاعده در حقیقت سعی در مقابله با برخی از رفتارهای بین‌المللی به هنگام انعقاد قرارداد را دارد، زیرا در مورد قراردادهای بین‌المللی، دولت‌هایی‌توانند در مواردی مشروطی مبنی بر عدم پذیرش برخی از مفاد سند اصلی یا ضمایم آن قرار دهند. این شرایط استثنایی (توانایی اعمال شرط) نمی‌تواند علیه سازمان مورد استناد قرار بگیرد. در پایان خاطر نشان می‌کنیم در مواردی که قبلاً از طرف سازمان اعمال شرط پذیرفته شده باشد،<sup>۱</sup> (یعنی در اساسنامه اعمال شرط مجازاً شمرده شده باشد) طبیعی است که اعمال شرط با شرایط مذکور جایز است، زیرا در حقوق معاهدات اصل بر رضایت طرفین می‌باشد و با رضایت قبلی اعضا نسبت به اساسنامه (و به طریق اولی رضایت نسبت به شرایط اعمال شرط) اعمال شرط دارای و جاهت حقوقی می‌باشد.

### نتیجه گیری

اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی، عهدنامه در حکم قانون محسوب می‌شوند و هم چنین منشأ شخصیت حقوقی سازمان‌هایی‌باشند. اساسنامه سازمان‌ها معمولاً دارای

---

۱. حال نسبت به قسمتی از اساسنامه یا نسبت به هریک از مقررات آن.

و جاهد حقوقی اعمال حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی..... ۱۵

مقررات مختلفی از جمله مقررات مربوط به نقش سازمان، یا به بیان دیگر تعیین صلاحیت سازمان، مقررات مربوط به تعیین عناصر اصلی تشکیلاتی سازمان، شرایط پذیرش، شخصیت حقوقی، ماهیت و تشکیلات ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و اداری، مقررات مربوط به اصول فعالیت ارگان‌های سازمان از جمله تشریفات رای‌گیری، چگونگی به اجرا در آوردن تصمیمات و ... می‌باشند.

حال چنانچه اساسنامه در مورد اعمال شرط و شرایط آن سکوت کرده باشد، به نظر می‌رسد در صورت اعمال شرط نسبت به آن دسته از مقررات اساسنامه که مربوط به شخصیت حقوقی سازمان است باعث ایجاد عدم یکپارچگی در شخصیت حقوقی سازمان بین‌المللی خواهد شد، حال چنانچه شخصیت حقوقی سازمان بین‌المللی به صورت بسیط و یکپارچه نباشد (به این معنی که حدود شخصیت سازمان بین‌المللی نسبت به اعضای سازمان متفاوت باشد) طبیعی است که اهلیت، صلاحیت و مسئولیت سازمان که از شخصیت سازمان نشأت می‌گیرند.

(و به بیان ساده‌تر نتیجه عقلایی آن هستند) نیز به صورت بسیط نخواهد بود که در نهایت این موضوع باعث می‌شود که حدود مسئولیت سازمان بین‌المللی در قبال اعمال کشورهای عضو و مسئولیت کشورهای عضو در رابطه با اعمال سازمان تحت تأثیر این تفاوت در حدود شخصیت سازمان بین‌المللی قرار بگیرد، به همین دلیل به نظر می‌رسد که اعمال شرط نسبت به آن دسته از مقررات اساسنامه که مربوط به شخصیت حقوقی سازمان می‌باشند به دلیل لزوم بسیط و یکپارچه بودن شخصیت سازمان بین‌المللی در عرصه‌ی حقوق و روابط بین‌الملل دارای و جاهد حقوقی نباشد، اما در مقابل اعمال شرط نسبت به سایر مقررات اساسنامه به شرط پذیرش رکن ذیصلاح سازمان قابل قبول می‌باشد. که مفاد ماده ۱۹ عهدنامه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ نیز ناظر بر اعمال شرط نسبت به مقررات مذکور است.

۱۶.....تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۳

### فهرست منابع

۱. بیگدلی، محمدرضا ضیایی: حقوق معاهدات بین المللی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم ۱۳۸۸
۲. تقی زاده انصاری، مصطفی: حقوق سازمان های بین المللی، تهران، انتشارات قومس، چاپ دوم ۱۳۸۵
۳. زمانی، قاسم: حقوق سازمان های بین المللی، تهران، انتشارات شهردانش، چاپ ششم، ۱۳۸۸
۴. عالیخانی، محمد: حقوق بین الملل، تهران، انتشارات خط سوم بی تا
۵. فلسفی، هدایت الله: حقوق بین الملل معاهدات، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ دوم ۱۳۸۳
۶. ککدین، نگوین: حقوق بین الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی، تهران انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۸۲

Archive of SID